



بر اساس تفسیر موضوعی

بعد جهانی و یا الهی جامعه

ولوان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات
من السماء و الارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا
يكسبون (اعراف - ۹۶)

هرگاه مردم يك آبادی ایمان بیاورند و تقوی را پیشه خود
سازند، درهای رحمت و برکت را از آسمان و زمین به روی
آنان می‌گشاییم ولی آنان به تکذیب آیات خداوندی برخاستند، ما
نیز آنان را به سزای کردارهای خود مؤاخذه کردیم.

در کتاب های مربوط به فلسفه تاریخ،
و جامعه‌شناسی، غالباً درباره (اصالت فرد)
و یا (اصالت اجتماع) سخن رانده
می‌شود، و برای جامعه دو بعد بیشتر تصور
مکتب اسلام

نمی‌شود.
۱- بعد فردی که معتقدین به اصالت فرد
و رژیم‌های سرمایه‌داری از آن طرفداری
می‌کنند.



(سوره اسراء آیه ۳۵) ... ه تمام اجزاه جهان خدا را از هر نقص تنزیه می کند ولی شما از تسبیح آنها غافل هستید حالا این چگونه نوع درك و شعوری است که بر جهان حاکم است و چگونه رابطه ای است که میان رفتار خوب و بد انسان و واکنش خوب و بد جهان، وجود دارد بر انسان خاکی کاملا پوشیده است و باید به حکم آیه «الذین یؤمنون بالغیب» (سوره بقره آیه ۳) به آن ایمان آورد. هر چند حقیقت آن برای ما روشن نباشد.

آیهاتی که بر چنین بعد جهانی گواهی می دهند پیش از آن است که در این صفحات منعکس شوند و ما برخی را یادآور می شویم :

۱- « ولوان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما كانوا یکسبون (اعراف - ۹۶) .

« هرگاه مردم يك آبادی ایمان بیاورند و تقوی را پیشه خود سازند ما، درهای رحمت و برکت را از آسمان و زمین به روی آنان می گشایم ولی آنان به تکذیب (آیات الهی) برخاستند ما نیز آنان را به سزای کارهای خود مؤاخذه کردیم» .

یعنی اعمال نیک و بد ما، تأثیری در باز بسته شدن درهای رحمت آسمان و زمین دارد، از آنجا که تمام علل و اسرار جهان سال بیست و یکم شماره ۵

۲- بعد اجتماعی که موسیالیزم از آن جانب داری می نماید مافعلا وارد این بحث نمی شویم ولی شمارا در این بحث در جریان اصل تازه ای که قرآن از روی آن پرده برداشته است قرار می دهیم و آن این که:

قرآن برای جامعه، علاوه بر این دو بعد بعد سومی ثابت می کند که ما نام آن را بعد جهانی، یا بعد الهی می نامیم و خلاصه آن این است که جهان هستی نسبت به اعمال و کردار انسان بی تفاوت نیست و کردار و رفتار او از جانب جهان، واکنش مناسب بامانیت عمل او دارد، کردار نیک و واکنش نیک، و کردار بد و واکنش بد.

توضیح این که: تمام مکتب ها، جهان را (جز انسان و دیگر جانداران) جامد و فاقد شعور می انگارند و معتقدند که جهان نسبت به اعمال نیک و بد انسانهای تفاوت است و هر چه نیک کنی و چه بدی، زمین و آسمان در برابر اعمال خوب و بد او، واکنشی نشان نمی دهد برای جهان ظلم و ستم جبران و بیدادگری زمامداران خود سربعدالت صالحان و باکان یکسان است.

در حالی که قرآن برای مجموع گیتی، شعور و درك ویژه ای قائل است و جهان را در برابر اعمال افراد، بی طرف و بی تفاوت نمی داند، و معتقد است که این بعد از جامعه بامحاشبات عادی قابل درك نیست، فقط آرامی توان بادیده دل درك کرد چنان که

می فرماید: « وان من شیء الا یسیح بحمده و لکن لا یفقهون تسبیحهم

بر بشر کشف نشده است نباید علت و تاثیر این نوع اعمال را منکر گردیم.

اعتقاد به يك چنین کنش و واکنش ، بسان اعتقاد به معجزه و کرامت اولیاء است .

معجزه و کرامت ، پدیده بدون علت نیست بلکه علتی دارد، که ما از آن آگاه نیستیم و ما باید حساب علل شناخته را از علل ناشناخته جدا کنیم اگر از فرد صالحی کار فوق العاده ای دیدیم که با موازین عادی تطبیق نمی کند نباید به انکار آن برخیزیم و بگوییم يك چنین کاری امکان پذیر نیست بلکه باید در صورت ثبوت آن را با علل ناشناخته توجیه کنیم.

پیامبر عظیم الشان مانند نوح که نخستین پیامبر صاحب شریعت است ، استغفار را علت ریزش باران، و افزونی مال و فرزند و باروری درختان، و جریان چشمه های داند، حالا چگونه «استغفار»، این آثار را به دنبال می آورد . وجه رابطه ای میان طلب آموزش و ندامت از گناه ، و آثار طبیعی وجود دارد، برای ما پوشیده است ولی پنجه علم بر تمام روابط دست نیافته است اینک آیاتی که در این مورد وارد شده است.

۲ - « استغفروا ربکم انه کان غفارا » طلب آموزش کنید او آمرزنده کناهان است.

« یرسل السماء علیکم مدارا » ابرهای باران ریزد، برای شما می فرستد.

« ویمددکم باموال و بینن » شماها را با مال و فرزندان یاری می کند.

« ویجعل لکم جنات » برای شما باغهایی قرار می دهد.

« ویجعل لکم انهارا » برای شما چشمه هایی پدید می آورد.

آیات در این زمینه پیش از آن است که ما در این صفحات منعکس کنیم ما همین قدر یاد آور می شویم که اعتقاد به این بعد از تأثر جامعه شکرگرفتی در اصطلاح آن دارد آیا مکتبی که می گوید : « صفحه نیلگون جهان در برابر اعمال خرد و درشت انسان، عکس العمل مناسب خود عمل، نشان می دهد و هرگز کار انسان هر چه هم ریز و کوچک باشد ، در این جهان خالی از اثر مناسب نیست»، اصلاح آفرین است ۱۹ یا مکتبی که می گوید «جهان کور و کر است ، گوش شنوا ، و دیده بینا ندارد و در برابر اعمال بشر کاملاً بی تفاوت است نسبت و جبار و مستمکر ، و عادل و دادگر به آن یکسان است ۱۹» . حالا قضاوت کنید : کدام يك از این دو مکتب می تواند جامعه را به اصلاح و پاکی بکشد ، و تقوا و پاکی را به میدان بیاورد.

از این جهت باید گفت : گروهی باید حکومت کنند که از این روابط آگاه باشند تا در وضع قوانین و یا به تعبیر صحیح تر: در برنامه ریزی، از حکومت این بعد از جامعه غفلت نوزند.

دست نیافته است، و مقدر عوامل نامرئی وجود دارد، که بر بشر امروز مغرور به علم ناقص، پوشیده است.

این حدیث و نمونه‌های دیگر آن می‌رساند که جامعه از یک پیوند ارگانیکی (۱) برخوردار است که عمل گروهی روی گروه دیگر هر چند از آن عمل بیزار باشند، اثر می‌گذارد.

بیمایر گرامی می‌فرماید: **اذا كثرت الزنا، كثرت الفجاة**، اگر در جامعه‌ای ناپاکی زیاد شد، بیماری سکنه در آن شیوع پیدا می‌کند، رابطه میان عمل زنا و بیماری سکنه بر بشر امروز مکشوف نیست این وحی است که از چنین حقیقتی پرده برمی‌دارد، و عاملی را برای شیوع این بیماری معرفی می‌کند که هنوز علم بر آن

۱- پیوند ارگانیکی در برابر پیوند مکانیکی است در ارتباط نخست، جامعه دارای روح واحدی است که بر آن حکومت می‌کند در حالی در ارتباط مکانیکی جامعه فاقد چنین پیوند بوده و فقط ارتباط ماشینی دارد.

پایه از صفحه ۶۴

مسائل بهداشتی و... نقل سخنان این دانشمندان فقط و فقط برای توجه به عظمت این فریضه بزرگ الهی بود که انشاءالله امسال این فریضه الهی را با ایمانی راسختر و عزمی محکم تر انجام داده، از مکتب تربیتی ماه رمضان درس‌های ارزنده‌ای بگیریم و فراموش نکنیم که برادران مسلمان ما در **افغانستان** برای سومین سال متوالی با دهان روزه و شکم گرسنه در جبهه نبرد حق و باطل در برابر کمونیسم اشغالگر می‌جنگند و از ما انتظار دارند که در سطحی که شایسته يك امت مسلمان انقلابی است، دست کمک به سوی آنها دراز کنیم.

اینک ملت ایران که گرفتار جنگ تحمیلی عراق است، به مصداق حدیث معروف حضرت موسی بن جعفر (ع) - **انما يعلم شدة الجور من حکم علیه به** - می‌تواند درک کند که بر برادران مسلمان ما در افغانستان و جنوب لبنان چه می‌گذرد؟ از اینجا است که امام صادق (ع) می‌فرماید: **« خداوند روزه را واجب کرد تا اغنیا تلخی گرسنگی را بفهمند و برفقرا ترحم کنند »**. (۱۴)